

رونمایی از پیدا و پنهان دفاع مقدس

نمایشگاه «پیدا و پنهان» روز یکشنبه ۳۱ شهریور ساعت ۱۵ در مجموعه نگاه‌خانه گالری ابو الفضل عالی، در حوزه هنری آغاز می‌شود. مهر این خبر را منتشر کرده و توضیح داده که نمایشگاه «پیدا و پنهان» شامل آثاری در حوزه هنر جدید، از جمله هنر مفهومی شامل چیدمان، ویدئوآرت و اینستالیشن‌هایی با ارتباط دوسویه بین اثر هنری و مخاطب با موضوع دفاع مقدس است. در این آثار هنرمندان دنیای ممکن را پیش روی مخاطب قرار داده و بعضی از این آثار با حضور مخاطبان و مشارکت آنان کامل‌تر شده و تداوم پیدا می‌کند. آثار اجرا شده در این نمایشگاه به سه گروه از جامعه مخاطبان توجه دارد. گروه اول، افرادی که دفاع مقدس و جنگ را از نزدیک تجربه و لمس کرده‌اند و این آثار برایشان مرور خاطرات است. گروه دوم، افراد میانسالی که از جنگ خاطره‌ای محو دارند و کودکی‌شان در میان ترس و اضطراب و خبرهای ناگوار جنگ سپری شده است و البته حس غرور آفرین از پیروزی جنگ در خاطرشان است. و گروه سوم، متولدین سال‌های بعد از جنگ که تجربه نزدیکی از این حماسه ندارند. روز اول نمایشگاه با حضور هنرمندانی از مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری آثار هنری به صورت یادبود خلق شده و تقدیم مهمانان و بازدیدکنندگان می‌شود.

عطف مراقب ملت‌عشقی‌ها باشید

ملت عشق! آنقدر در ایران مورد استقبال قرار گرفت که دیگر خیلی‌ها الیف شافاک نویسنده ترک این کتاب را بشناسند. شافاک اوایل ماه ژوئن یعنی اواسط خرداد ماه امسال کتاب تازه‌ای به زبان انگلیسی منتشر کرد به نام «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» که گویا در ایران توسط علی سلامی ترجمه شده اما براساس خبری که ایسنا منتشر کرده، اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران اعلام کرده است که این کتاب مجوز نشر و توزیع ندارد. این اتحادیه در اطلاعیه‌ای خطاب به کتاب‌فروشان و موزعان اعلام کرده: به اطلاع می‌رساند کتاب «۱۰دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» موفق به دریافت مجوز نشر و توزیع نشده است. مراتب جهت اطلاع و پیشگیری از هرگونه پیگرد حاصل از خرید و فروش آن به اطلاع می‌رسد. کتاب تازه شافاک، ساختاری متفاوت دارد. نگاه نویسنده همچنان به سرزمین آبا و اجدادی خویش است و این بار به استانبول و زنان این شهر. شروع داستان از نقطه‌ای است که درواقع پایان داستان را روایت می‌کند. شب است، لی‌لا، مرده و جسدش در سطل زباله‌ای در گوشه‌ای از استانبول افتاده است. براساس یک نظریه علمی، مغز آدمی تا ۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه بعد از مرگ همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. و اینک آن دقایق بسیار پایانی و مرور همه خاطرات زندگی برای لی‌لا شروع شده است.



نقاشی‌های انقلابی امیرشهاب رضویان

از ۵۷ تا ۶۷ به روایت امیرشهاب رضویان نام نمایشگاهی است از انقلاب و جنگ که به شکل پرده‌خوانی در گالری کاما به نمایش درمی‌آید. ایسنا این خبر را منتشر کرده و نوشته از روز جمعه و در آستانه سالروز آغاز جنگ تحمیلی، ۹۰ اثر از امیرشهاب رضویان به نمایش درمی‌آید و علاقه‌مندان می‌توانند نقاشی‌های این کارگردان سینما را تماشا کنند.

تقدیر کشاورز از گروه گیتی

گروه تئاتر گیتی به سرپرستی روح‌ا... جعفری به نفع مردم سیل‌زده شهر معمولان، رپرتورا نمایشنامه خوانی راه‌انداخته و محمدعلی کشاورز، بازیگر پیشکسوت از این کارگروه گیتی ابراز خرسندی کرده است. او در یادداشت کوتاهی که در اختیار هنرآنلاین قرار داده، یادی از قدیم کرده که در تماشاخانه سنگلج نقش علیقلی‌خان نمایش لیخند باشکوه آقای کیل را به کارگردانی رکن الدین خسروی بازی کرده بود.



دست‌زد به ویلای فرح

امروز سی‌ویکمین سالمرگ شاعر تبریز و روز ملی شعر و ادب فارسی است؛ حرف‌های منتشر نشده زنده‌یاد اصغر فردی با جام‌جم را درباره دروغ‌ها و افسانه‌هایی که به شهریار منتسب کرده‌اند، می‌خوانید

شعر او نفوذ می‌کرد و مناسبات موجود در خود متن‌ها را می‌کاوید. اینها باعث شد آن روز، یحثمان درباره کتابی که او از ۶۰۰ صفحه شعر منتشر نشده شهریار به بازار فرستاده بود، گفت‌وگویی بشود در تحلیل گفتمان‌هایی چون عشق و رادیکالیسم انقلابی در شعر شهریار و حتی بحث به ناظم حکمت و لویی آراگون بکشد. بخشی از آن گفت‌وگو‌ما نزد ما باقی ماند؛ خدای ناکرده نه به خاطر رسم معمول که برخی رسانه‌ها گفت‌وگوهای‌شان را نگه می‌دارند تا پس از مرگ طرف‌آن را منتشر کنند. آن روز اصغر فردی بحث‌هایی را با ما در میان گذاشت که به گزارش ما از کتاب «شهریار و انقلاب ملت» مربوط نمی‌شد و از این رو باقی ماند تا امروز که به مناسبت سالمرگ شهریار و روز ملی شعر و ادب فارسی منتشر شود؛ این بخش از حرف‌های او، پاسخ‌هایی صریح درباره برخی شایعه‌ها و افسانه‌هاست که به زندگی و کار شهریار منتسب کرده‌اند.

◀ ۳۱ سال از مرگ غزلسرای شوریده‌تبریزی می‌گذرد و حالا چند سالی است سال‌مرگ او مصادف است با روز ملی شعر و ادب فارسی در تقویم ملی. ۲۷ شهریورماه هر سال، رسانه‌ها به این بهانه به بحث‌های مختلفی دامن می‌زنند از جمله این‌که چرا این روز به عنوان روز ملی شعر و ادب فارسی انتخاب شده است. ما اما در این گزارش، از این بحث پردامنه و ظاهری‌پایان درگذشته‌ایم و خواسته‌ایم سرافژی از خود شهریار بگیریم. دوسال پیش، زنده‌یاد اصغر فردی را در جام‌جم پای گفت‌وگو نشاندیم به بهانه انتشار کتاب «شهریار و انقلاب ملت». فردی که خیلی زود و در ۵۵ سالگی درگذشت، از یاران نزدیک شاعر تبریز بود و اتفاقاً پژوهشگری بسیار باسواد و کاربلد بود. خلاف دیگر نزدیکان و دوستان شهریار، از اسطوره‌سازی رفیقش اجتناب می‌کرد و در عوض، به متن

گروه

ادبیات و هنر

عشق بود اما نه به ثریا!

چند سال پیش بود که برخی رسانه‌ها ادعا کردند زنی را که شهریار در جوانی به او دل باخته بوده یافته‌اند. سه سال پیش هم نوشتند که ثریا درگذشته است یعنی همان زنی است که شهریار عاشق دلسوخته او بود و در فراکش کمر خم کرد. این روایت دراماتی‌ک را لابد همه‌تان شنیده‌اید.

عشق بود اما نه تا ثریا!

اصغر فردی که خود را شاگرد شهریار می‌دانست اما شاید متمرکزترین شهریارپژوهی بود که دیده بودیم، در گفت‌وگو با جام‌جم معتقد بود باقی روایت ماجرای عاشقی شهریار، بسیار آمیخته با افسانه است. خب مردم دوست دارند روایت‌های افسانه‌ای را دراماتی‌ک‌تر کنند. فردی می‌گفت: «شهریار در همان بیست‌وچندسالگی از ماجرای شکست در آن عشق عبور کرد اما طوری می‌نویسند انگار تا پایان عمر در آن فراق نالید و نالید. او عبور کرد و در شعر و معنویت به تعالی رسید. مردم می‌گویند او وقتی عاشق شد، تحصیل طب را رها کرد. این، افسانه‌ای بیش نیست. او تحصیل طب را کامل کرد. طبیب بود. حتی در دوره‌ای مطب دایر کرد اما دوست نداشت دکتر بماند، می‌خواست یک شاعر تمام‌وقت باشد. این افسانه‌ها را می‌بافند اما نمی‌پرستند چرا او تبعید شد؟ چرا دیپلم طب را به او نمی‌دادند؟ چرا سرهنگ دکتر فیروزبخت وقتی دید مدرک طبابت شهریار را نمی‌دهند خودش در مریضخانه فیروزبخت مدرک دیپلم طب را می‌نویسد و می‌دهد دست شهریار؟ چرا؟ چون رضاشاه مستقیم با شهریار درگیر شده بود. شهریار تنها شاعری بود که ترور میرزاده عشقی را در قالب شعر توصیف کرد و نوشت:

تحت حمایت حکومت نبود

یکی دیگر از افسانه‌هایی که درباره زندگی شهریار مطرح شده، حمایت تام و تمام دولتی از او بوده است. لابد شما هم برخی را شنیده‌اید مثلاً این‌که شهریار ماهانه حقوق‌های آنچنانی می‌گرفته و جمهوری اسلامی زندگی‌اش را ساخته بوده است. همین عکس‌هایی که از او و خانه‌اش باقی مانده کافی است تا تن به باور این مهملات ندهیم اما اصغر فردی هم در این باره معتقد بود شهریار هیچ‌گاه تحت حمایت نبوده است. شاگرد شهریار در این باره می‌گفت: «فصلی از زندگی رادیکال و مبارزات ضد‌پهلوی شهریار را در شعرش می‌بینیم. خب ادامه این روند را پس از پیروزی انقلاب هم می‌بینیم اما بدیهی است او از انقلابی‌که دلباخته‌اش بوده است، حمایت کند. رفتار شهریار

طعنه به فرح و پیش‌بینی انقلاب

برخی هم می‌گویند شهریار با حکومت پهلوی چندان اصطکاکی ایجاد نمی‌کرد و حوصله دردسر نداشت. روایت اصغر فردی از ماجرای شهریار با فرح در این باره خواندنی است: «سال ۱۳۵۵ مهرداد پهلبد که وزیر فرهنگ بود با یک سند ملکی و کیفی پرپول می‌آید پیش شهریار؛ سند ملکی ساختمانی ویلایی در قلهک شمیران که فرح آن خریداری کرده بود تا شهریار را بیاورد تهران و آنجا ساکن کند. حالا ببینید شهریار در این شعر چه گفته: «می‌کده چون

همان موقع هم اصغر فردی این ماجرا را رد کرد و گفت که استاد هرگز درباره هویت معشوق خود در تمام عمر خود به هیچ احدی کمترین مطلبی ارائه نکرد. او به یکی از دو تصویری که آن روزها در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد اشاره می‌کرد و می‌گفت که تصویر متعلق به بانویی از شاهزادگان قجری بود و اساساً چنین نام و نشانی (ثریا ابراهیمی) در تمام زندگی شهریار واقعیت و موجودیتی

«عشقی که درد عشق وطن بود درد او / او بود مرد عشق که کس نیست مرد او / [...] از جان گذشت عشقی و اجرت چه یافت مرگ / این کارمزد کشور و آن کارکرد او». خب دستور مستقیم ترور میرزاده عشقی را رضاشاه داده بود و حالا یک بچه‌شاعر پیدا شده بود و در این باره شعر نوشته بود. این اباطیل را می‌گویند اما نمی‌گویند چرا نام یکی از چهارراه‌های پایتخت کشور باید امیراکرم باشد.

مگر نمی‌دانیم امیراکرم همان چراغعلی‌خان پهلوی است؟ پسرعموی رضا پهلوی و پیشکار محمدرضا پهلوی که شهریار را در باغشاه زندانی و سپس تبعید کرد به خراسان که استاد رفت. پیش آنجا نزد کمال‌الملک، چرا نام چرکین او هنوز بر تهران است؟ وقتی همه جای‌نام‌ها زدوده شده از نام او، چرا تهران هنوز به این نام آلوده است؟»

پس از انقلاب، اپوزتیو و مبارزه‌ای نیست بلکه حمایت است از جریان انقلابی. بنابراین باز هم انقلابی و رادیکال است. با این حال مگر شهریار در دوره حمایت از انقلاب، مورد حمایت قرار گرفت؟ آیت‌ا...

خامنه‌ای که‌گاه با ایشان تماس می‌گرفت و وقتی در بیمارستان تبریز بودند به ملاقاتشان آمد. اما این‌که می‌گویند شهریار این طور و آن طور حمایت می‌شد، درست نیست.

طعنه به باد شد، دعوت من به باده کرد / روغن ریخته‌ست کو نظر امامزاده کرد».

دعوت من به باده کرد / روغن ریخته‌ست کو نظر امامزاده کرد». توجه داشته باشید دو سال پیش از وقوع انقلاب آن را پیش‌بینی می‌کند و طعنه‌ای هم روانه فرح می‌دارد. شهریار هیچ‌وقت آن خانه را نپذیرفت. استاندار مدام نامه نوشت به شهریار که ما از این بابت تحت فشاریم و بیا خانه را بپذیر اما شهریار اصلاً استاندار را به حضور نپذیرفت.»

